

صاحب امتیاز  
و مدیر مسئول  
دکتر اسمعیل  
اردلان.

# کوشش نامتلفیقی

بهیچ حزب  
دسته یا جمعیتی  
بستگی ندارد

تک شماره ۴ ریال

شنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۲۴

سال اول - شماره ۱۰

## چگونه ارتش را لکه دار کرده اند؟

انسوس که باید در هر مطلب و هر سطر از آن نبود که توانش بسیار است و برای رفع هر یک از این توانش موانع بسیار در پیش داریم.

مهاجره زینران فراری هفت شصت مورد توجه و رعایت بود. آنها گمان می کنند از این معاکه هم نتیجه مفیدی پایه کردند. آنها باز در این بنام مقررات بنفع کردن کلفت ها و مجازات بیچارگان خانها نخواهد یافت.

مرد و زن است و میگویند در او امر سلطنت شاهان بر فرمانده پادگان، مباحث دستور میوه که حسن نام با صالح نام مجرم است باید فوراً تبعید شود. فرمانده خوش ذوق و سلیقه آنجا هر چه حسن نام یا صالح نام است با لکه دار و دستگیر می کند و بر او غور حال از هر حسن یا صالح پولی دریافت میکند و حاجت چوپان بدبختی را که حسن یا صالح نام داشته و از مال دنیا یک دینار دارایی نداشته توقیف و در حالی که زن و بچه اش در آن منطقه بدبختی و بیچاره و بیگس میماند بقلعه دور دستی مدت چند سال تبعیدش میکنند و حالیکه حسن یا صالح خیالی که بر اثر اشتباه و یا تمهید مجرم قلعه شده در سبیل میماند.

عدا کند اتلا معاکه انصراف فراری هم بصورت داستان واقعی حسن یا صالح در نیاید تا شاید از این راه اتلا ارتش از هر عده ای خان غلام نرود و امیدوارم این اقدام بیوانه مقدمه تخلیه ارتش از وجود ناپاکان شود.

### آنگهی

نازنده روزنامه کوهستان در خاقله آقای حسن کاتبی میبایست

اگر چنین گردید ما دارای ارتشی بشام مناسلی و قابل ستایش خواهیم بود و هر یک نام مردم در راه عظمت آنچنان- نثار خواهند کرد و اگر در بین حال بیگانه و وابسته است از پیش به پست دیگر بخواهید عدم رضای مردم براتسکین دهید بازار همین است که می بینید هر چند وقت یکبار در کوفه ای از سلطنت، یا هشیر است که بر روی برادران ماکشیده میوه و پاتنگ است که رخسار گلگون آنان در هدف تیر قرار میدهد.

دیروز در هنگامیکه از خیابان بیگانه شتم یکی از آشنایان را که انصراف جوان بود دیدم. غصه بنظر می آمد. از خالی بر سر می گفت: پس از دوندگی بیکی دو ساله تازه موفق شده ام خانه ای را که مؤرد احتیاج خودم است و مستاجر سببی آنرا در اختیار گرفته تخلیه کند.

امروز بن پیغام رسیده که فلان سرهنگ که با مستاجر من نسبتی دارد مرا تهدید کرده که اگر بغیال تخلیه در سر داشته باشی در سین تخلیه در همان منزل پادایموم به رخسارم کفیه و ...

السر جوانت با لهنده گفته بود به جناب سرهنگ بگویند من انصراف همم وظیفه هتاس و سره و گرم روزگار را هم چشیده ام ...

آیا تا چند چنین جناب سرهنگی که لابد یک مشکل هم بنام حکم در برابر اولوم نظام حل میکند شایستگی نام انصراف دارد؟ آیا حقیقتاً صرف نظر از دوسه ستاره در دست که بر روی هر هاله داده چند کسی در جامه هفتبندی دارد؟ آیا چنین کسی که ساشریست از یک دینار بگذرد حاضر خواهد بود در موقع خطر از جان خود در راه حفظ وطن بگذرد؟

هنگ گذشت حادثه تاسف آوری روی داده که باز دیگر روح آنهایی را که باین آب و خاک علاقه مند اند سرد ساخته. آقای عبیدی اردی مدیر روزنامه داد هنگامیکه بر حسب دعوت دوستانه آقای سرتیپ امیر نظامی به باشگاه انصراف رفته بود از طرف سرتیپ بهارست مورد تهدید و ضرب و ترو گرفت. باو دیگر مشت کرده کرده یک اندر هالبرتیه بر پیشانی یک روزنامه نگار ابرایت بود.

مشتی که می بایست بر دهان کسانی که مایه تنک ایران و اهراف فرود آید. مشتی که میبایست دندانهای طبع شارترکان را خوب کند. مشتی که میبایست عظمت ایران را به جهانیان نشان دهد بر پیشانی یک روزنامه نگار نواخته شد.

چالیکه انصراف عالیتره، در باشگاه انصراف دو پادشاه ضلعت شش و اگر ه و بر صورت روزنامه نگاری که با ستاد و مدارک غلامکاری مانی را که صد در صد بفرود دولت است، تذکره داده انوار آبا میتوان انتظار داشت فلان معین نایب در فلان نقطه دور دست، مردم را زنده بگور کنند؟

چالیکه انصراف، که میگویند درست و تصحیل کرده است، در مرکز چنین مساله کند، فلان پاد اعلی که در میان ابلات و هشایر مأموریت دارد باید چه آفتی بسوزاند؟

چالیکه پادشاه خدمت روز نامه نگاری که غایت از حیف و میل خوانه دولت با انتشار مدارکی جلوگیری کند شش باشد آبا میتوان انتظار داشته مردم دور افتاده از مرکز بتوانند از رفتار مأمورین خوب رفتار شکایت کنند؟

تا کار بدین منوال است و تا وقتیکه مفت حق را باطل میکنند و تا این مفت های توغالی باز نفوذ هر یکس در این کشور نمیتواند کسبی و جان و مال خود اطمینان داشته باشد.

تا وقتیکه تاج و ستاره موجب سوء استفاده فرار گیرنده خواه این سوء استفاده مادی یا منوی باشد احترام ارتش در خطر است.

انصراف که خوب را از بد تشخیص نداده انصراف که حق را از باطل تمیز نداده، انصراف که خانی را از خادم تفناند. انصراف که غیر قلدری و خود سوری برای خود وظیفه ای نداده آبا هایتست انصراف مانی در ارتش است؟ آبا چنین شخصی از مافخر ارتش ملی به شمار خواهد رفت؟

مادر ستاره و صیبه استاد ارتش تذکر میباید: اگر میباید ارتش ما ارتشی ملی باشد، اگر میباید ارتش حقیقتاً و از صمیم قلب مورد احترام عموم باشد، اگر میباید ملت ارتش را از جاه و مال دوسه داشته و در راهش نذکاری کند، اگر میباید ارتش ما مقدس و قابل برتس باشد و اگر میباید ارتش ما نام ایران را برافضا کند. آبا آنرا از وجود انصراف ماجراجو و پاپوش ستاره انصراف بدنام و لکه دار، انصراف طماع و قلع پرست، انصراف جرم و بی منور و انصراف وظیفه ناهتاس و نادان پاک کفیه.

نگارش آقای میر جمال الدین مقبری - ممبر ماه کوهستان

اخبار مجلس

تزل پنه کاری در کرمانشاهان

در نتیجه تظاهراتی که در خصوص گفت پنه کرمانشاهان پس از آمدن لازم مه امان نظروارت کشاورزی و نسبت بهم توجه در باره ذرات پنه این ناحیه حاصله بر سطوح دارم . بطوریکه سوابق امر حاکی است بعضی کرمانشاهان در سنوات ماضیه متجاوز از سیصد هزار تن محصول پنه عاید میباشند ولی در این چند ساله اخیر بواسطه باره احکالات و نوائس فنی و اداری و سهل انگاری مقصدبان دولت موفق نگردیده پیش از یکصد هفتاد تن فوسه تن پنه بدهد . ۱۱۰

بر روسی های کالی که در این زمیله بدلول شده نفعان بدهد اداره پنه استان پنجم بوزارت متبوعه خود پیشنهاد نموده اجازه دهنه الا ( سه هزار هکتار ) در منطقه کرمانشاهان پنه کاری شده و کسر پنومورد اسیاج را از سایر هیات بکرمانشاه ارسال نمایند متاسفانه وزارت کشاورزی اجازه کشت زباده ترال ( دو هزار هکتار ) نداده است در صورتیکه با وضمت باره گیهای مفید اسال چنانچه در اندازه بقدار بلر پنه این ناحیه اضافه میگردد هنگام برداشت محصول بهمان نسبت در ازدهاد آن تفاوت ماحض مشاهده میگردد .

قسمت دیگر که بی نهایت مورد اهمیت میباشد اینست . هیه پنه ( زوالسر ) و ( کابهران ) که سابقا از لحاظ گفت پنه مورد استناد و حاصله بر بوده دستور انحلال آرا صادر و بدین وسیله هو منبع از منابع ثروت این بخش را بکلی مسدود نموده اند . اگر چنانچه همبافتون قابل استفاده نیست چگونه سالیهای گذشته محصول هایشان توجیب میداده است ؟ ( سوابق موجوده این نکته را تا بدیه منبایند )

اگر اشکال و مانع اداری دارد چرا برای رلع آن اقدام موزری معمول نمیدارند ؟

تنگرانی که از طرف کشاورزان این منطقه در روزنامه های مطبوعه کرمانشاه انعکاس دارد تا بدیه منبایند در اثر تشویق و ترغیب هایشان که از قبل اداره پنه استان پنجم در باره کشاورزان امر می شده و حاصله بر کرده اند با دلگرمی خاصی در کشت و توسعه این محصول پر غایبه همت گمارده . سوارا است وزارت کشاورزی توجه به وضعی نسبت به پیشرفت پنه کاری این بخش ضروری و کسانی را که بتطور ترقی و تعالی آب و خاک خود از ابراز هرگونه فعالیت و راهشانی درخ نادره تشویق نمایند .

اعلیحضرت هماپونی ضعی اظهار - نگرانی از گفت مجلس فرموده بودند : > با وضع کنونی دنیا و اوضاع پیچیده اقتصادی ایران صلاح نیست که بصرای امانه هافه باقیه امروز باقیه مابوس پنه دولتی با سایر انیسکو مرابا امروز رابطه داشته باشیم . غرضه هتانه دولت ایران در گپه اجرائیه کفرانس سازمانیسکو که مرکب از چهار عضو دول چهار عضو آرا دول بزرگ امریکا - شوروی - انگلیس و چهار تفکیل بدهنده پذیرفته شده است و با این وضع ماهروز حوائس داریم که بدون داشتن دولت نمیتوانیم آنها را انجام دهیم بنابراین هایشته است آفایه نمایندگان هرچه زودتر راجع بدولت آتیله تصمیم بگیرند تا ما بتوانیم در این موقع مهم نظریات خود را در کفرانس سازمانیسکو بهتر منعکس نمایم .

بالاخره پس از مذاکرات زیاد یکی از نمایندگان گپه پیشنهاد نمود خوب است برای جلوگیری از ادمت جریان طرفین از کادیده های خود صرفه نظر کنند و بملکی یک نامزد جدیدی را برای انعشت وزیری در نظر گرفته انتخاب نمایند و جلسه باینجا خاتمه یافت و برای روز بعد و کلا بیجاس باینجا تا در صورت لزوم برای گرفتن رأی نایب جلسه سری تشکیل شود .

دوشنبه سوم اردیبهشت

قرار بود در این روز جلسه خصوصی تشکیل شود ولی چون مذاکره سکه نمایندگان فراکسیونها تمام نشده بود جلسه خصوصی هم تشکیل نگردید .

شنبه ۴ اردیبهشت

کسیبون نمایندگان فراکسیونها در مجلس تشکیل شد و مدتی راجع بکتابته ها صحبت کردند .

شنبه ۵ اردیبهشت

فراکسیونهای پارلمانی تشکیل شده نمایندگان فراکسیونها شبیه مذاکرات روز قبل را با اطلاع فراکسیونها رساییده ولی بدون اخذ نتیجه این جلسات هم پایان یافت .

پنجشنبه ۶ اردیبهشت

بناسبت تصادف این روز با روز وفات حضرت زهرا جلسه تشکیل ندهد .

جمعه ۷ اردیبهشت

تعییل سنگای رسمی بدست داد که در این روز هم نمایندگان با عدم حضور در مجلس قهری تمدد اعصاب فرمایند .

شنبه ۸ اردیبهشت

بناسبت شرفیای رئیس مجلس به حضور اعلیحضرت هماپونی قهری جلسه خصوصی در برتر تشکیل شد آقای رئیس پس از مراجعت بپام اعلیحضرت هماپونی را با اطلاع نمایندگان رساییده .

چاپخانه کشاورزی

ترجمه و نگارش : آقای مصور شاهزاد

دزداره دزدان

۴۵

فصل دوم

یک شخصیت مشکوک

هراس با صدای تسمیر آبی کت مکرر بیداری او اینتالی می است ، معلوم میشود هنوز اینتالیها را نشانه ایپد .

لیدا در وسط اطاق دوربیز میگفت و خود را پرت کردن لوازم روی آن مشغول داشته بود . زیرا میل نداشت که مورد بازخواست هراس راجع باینتالی واقع گردد . اما هراس پس از لحظه ای از او پرسید : چگونه این اینتالی زندگی خود را تأمین می کنی ؟

- زفانبل غلبی کار بلد است .
- مثلا چه کار ؟

- او بیداران را منالجه و مواظبت میکند گپهانی که برای دودها و زخمها علیه خوب میشناسد و حقیقتا کشیش ما لیدانه او این همه معلومات را از کجا بدون تحصیل آموخته .

- بهر حال این شخص بنظر من بسیار مشکوک و عجیب میباشد . لیدا قهری مضطرب شده بدون اینکه جوابی بدهد مشغول تکان دادن کردن پنه خود شد بالاخره پس از چند لحظه تامل با صدای آرامی مثل اینکه بپهر است شنیده شود گفت بهر حال آنچه مسلم است زومانو

واجوب میشناسد . این کلمات آخر را بدهی آهسته گفت له هواس بزرگ . نوانست بشود با تعجب پرسید مانتور کیست .

لیدا سر را بطرف آسان بلند کرده سپس بیلات ملایب اظهار کرده گفت همه کسی مانتو را میشناسد اما بهر کسی دوباره او حرف بپزند اما . . . دخال جوان هاننا ساکت شد . هر اس با کتبکاوی پرسید بری چه کسی دو باره او حرف بپزند ؟ لیدا گفت برای اینکه از سندوق فولتی ۳۰۰ لیره دزدیده شده و دنانو اسر سواره نظام هم بضرط گلوله گفته شده ایز . قدری جواهر و اشیاء نفیس مطلق به سکتس آلبانی ملاندر شده است و از طرف حکومت قدغن شده کسی دو باره آنها حرف نزنه .

مادام کلوانه اگر چه حرف های لیدا وانی فیهیدولی از شرکت و اظهارات بردهای او که با صحبت توام بود نادبی از موضوع مطلع گردید و در حالیکه دستارا با اضطراب بیوم می مایه فریاد کرد چه کشور و شش ااری ؟

هراس پرسید آسانانو تمام این کار هارا کرده است ؟ لید بدون اینکه جوابی بدهد انگشتش را روی دندها گذاشته در فکر فرو رفت . هر اس به سخنان خود ادامه داد گفت و حکومت شمام هیچ اقدامی برای جلوگیری از این هرات هانی نباید ؟

- چرا آنا ، همه ای سر باز فرستاده اند همین امروز سبک دست سوار نظام از این چه گفتد و بکنتر هم که دست هایش را از پشت بست پر دند دوشین آنها دیده میشد که به رگزیو می بردند .

- آ آ این شخص همان مانتوست ؟

- شهر میگویند پسرش بود .

- لا بداروا به محکم می برند اما او چه شواهد کرد ؟



بیم آقای دکتر بوس بره می

### دانشتهای لازم راجع بخصایص

#### کودک شیرخوار

در دو گفتار سابق آنچه را که یک بانوی باردار در خصوص بهداشت زمان حاملگی باید بداند و آنچه را که مادر راجع به بهداشت کودک نوزاد هنگام تولد بایستی مورد نظر داشته باشد شرح دادیم حال بیستیم یک نوزاد سالم چگونه رشد و نمو مینماید و چه چیزها را مادر و پرستار باید متوجه باشند تا مزاج و طبیعت کودک خود را به خوبی شناخته و از بعضی عوارض غیر عترقه بپوشج جلوگیری بعمل آورند .

این نکته واضح است که در بازنده روز اول زندگی سر و کار طفل نوزاد فقط با خواب و غوراک است در ضمن بعضی حرکات غیر ارادی از خود بروز میدهد مثلا بهودی خود عمل نفس را اجرا مینماید - پستان مادر را در دهان گذاشته و میسکد - سر و دست و پا را بطور غیر منظم تکان میدهد - و در موقع احساس ناراحتی یا گرسنگی گریه میکند .

پس از آن در سن یک ماهگی بتدریج متوجه صوت و صدا شده و هیسک چشمانش بجز براق و درخشنده بیافته سرکت آریا لنگه سده و بی آرایش خود بیروی مینماید . در حوالی دو یا سه ماهگی کودک سا خواهد توانست سر و گردن خود را درست نگاهدارد و در همین موقع است که اولین علامت تبسم برایش شش مینماید و چنانکه مادر انگشت خود را در میان کف دست کوچک او بگذارد آرزایان میدهد .

در سن چهار الی پنج ماهگی طفل برای بلند شدن و نشستن تایل و گوشه ای از خود نشان داده و هرگاه پشتش تکیه گاهی داشته باشد قادر بنشستن میشود در ضمن دستپایش را بسوی اسباب و چیزهایی که توجهش را جلب نماید دراز کرده و برای گرفتن آنها سعی کرده در او ان شش ماهگی نشستن را فرا گرفته و تا یازده ماهگی ان استادن را بانواع وسائل آموخته و در کنار دیوار میفرماید تا آنکه در پایان سال اول دست بدست مادر داده و راه میروند و معمولاً همینکه بین چهارده ماهگی میرسد خواهد توانست بدون کمک دستیار گامهای چندی بردارد .

بالاخره در پایان سال دوم کودک ما قادر بادای چندکلمه ساده میشود و آرزوست که وارد مرحله تازه از دوران کودکی خواهد گردید .

\*\*\*

پدیهی است سنین فوق الذکر در نزد تمام کودکان یکسان نبوده و کم و بیش قابل تغیر هستند اما این اعداد قدر متوسط را نشان می دهند - مثلا باید دانست که ضعیف از کودکان شیرخوار که فریب وسوسین هستند راه رفتن را دیرتر از چهارده ماهگی خواهند آموخت زیرا وزن چششان متناسب با اندازه مقاومت پاهایشان نیست .

از طرف دیگر چون استخوانهای بدن کودک نرم و قابل ارتجاع بوده و بتدریج با مواد آهکی و لیسر سخت و با مقاومت میشوند چنانچه در اثر تقلیه غیر مکیفی این مواد وارد اعضای بدن نشوند استخوان ها بهمان حالت نرمی و سستی باقیمانده و بیماری راشی تبسم تولید می گردد - بدینجهت کودکان مبتلا با این عارضه را در رفتن را خیلی دیرفرما خواهند گرفت .

**نحو دندانها** - هر چند موقع خروج و پیدایش دندانها قابل تغیر است ولی بطور کلی میتوان گفت که کودک شیرخوار سالم و قویکه سن یکسالگی میرسد بایستی ۸ دندان جلو یعنی دندانهای آلهای او بودار داشته (چنانکه میدانیم هضم بالغ چهار قسم دندان دارد : تنایا (۸) - چهار در بالا چهار در پایین) انباب پهلوی تنایا قرار دارند ۲ در بالا ۲ در پایین - آسیای کوچک (۸) و آسیای بزرگ (۱۲)

پس از یکسالگی اولین آسیای کوچک ظاهر میشود و بعد از آن دندان آلهای (حوالی یکسال و نیم) و سپس دومین آسیای

### اگر این اظهارات قابل انکار است

#### تکذیب کنید

جناب آقای مدهر محترم نامه کوهستان

استدعا دارم بعضی طرلهاری از حق و حقیقت مقاله زیر را در آینه نامه و زین و ملی امر بدرج فرمایند .

هر کسی از اقدامات بیرویه و غرور - سرانه فرمانده لشکر گردستان کم و بیش آگاهی دارد که بدست خود او و مامورینش چه مظالم و اجاملاتی بر ساکنین مناطق گردستان میروند و مامورین ایشان چگونه با بیرحمی و تفاوت شب و روز در بدبخت نمودن وی خابان کردن سکنه این مناطق کوشش و دست و پا میکنند و اتفاقا تا کسی از نزدیک وضع وقت باو و پریشان این ملت بیچاره را سیر و مشاهده نکنند چنانکه باید و خواهد فجاج فرمانده لشکر و -

مامورین او در نظرش مجسم و آشکارتری خود از ایشرو بعضی نمونه چند فقره از کوچکترین کارهایی را که ایشان نسبت بسکنه بدبخت گردستان روا میدارند برش میرساند

۱ - برای اینکه دست دزدان و راهزنان را باز گزارند که بهتر و بیشتر بسلیات تنگین خود ادامه دهند از مالکین غده متکزار و ایران دوست این مناطق منحصر اسامه را که برای حفظ و حراست خود داشتند اخراج و علاوه یکسانیکه سابقه دزدی و شرارت دارند اسامه داده و آنها را بجان و مال و ناموس و اهالی بیچاره رها کرده و خود و مامورینش ناظر برادر کشی و شربک جرم و شرارت و یشاگری دزدان هستند و با وجودیکه سر بازاران دو این مناطق قادر بجلوگیری از اینگونه هلیات می باشند مهربا برای دستگیری راهزنان کوچکترین اقدامی نمی کنند تا فرمانده لشکر بهتر بتواند با گزارشات عاری از حقیقت خود هر روز کرد ها را استقلال طلب و گردستان را منطقه آتش و خطر بدوات و ستاد ارتش معرفی کند چنانکه چندی قبل دو نیم فرسخی پاسگاه زانه امری ده صاحب عروس را که از دهنی بدی دیگر میبردند در عرض راه سارقین مسلح عروس و - همراهش را لغت نموده و با وجودخبر دادن به پاسگاه زانه امری در اثر تنائی مامورین باراهزنان در این تری دیگر هیچ -

کودک بودار میشود (در دو سالگی) - بطوریکه در آخر سال دوم کودک رویم رفته ۲۰ دندان قیری خواهد داشت - پدما در ۶ سالگی - ۱۲ سالگی و ۱۸ سالگی بترتیب سه آسیای بزرگ در بالا و پایین راست و چپ دهان ظهور خواهند کرد تا آنکه مجموع دندانها ۳۲ باشد برسه البته چنانکه میدانیم در بین ۲ و ۱۲ سالگی دندانهای شیرینی بتدریج افتاده و دندانهای ثانوی و قطعی جای آنها را خواهد گرفت .

کوه الهامی بسمل پارودند .  
۲ - دولت از ایران آقای احمد فاروقی که پارسال اژدرس همین مردظام باقریب یکبار خانوار اهالی یاه و - دهانش بلکه عراق پنهانده شده بوده به انتظار مراحم دولت از خاک بیگانه مراجعت و خود را بسا انوی یانه مرانی میکنند یکی از آنها در عرض راه میان برف پاهایش را سرما برده و فلما باوضع اسف آوری در یانه افتاد است و دیگری وایسخر رسیدن یانه بجای دنوازی و امیدوار ساختن به مراجع دولت حبس و بسدا یادست بسته به سقر و از آنجا بستانج برده اند و معلوم نیست بسا چه مذاهمانی آن بیچاره را از این خواهنه برد و پارسال هم با همین بدرفتاری ها رهایی ایران را بدست بیگانه فرار دادند مشاهده اینگونه هلیات است که ملت را آبروس و عاسی میسازد .

۳ - در نتیجه گرفتاری اسامه از مالکین و آزادگانشان دست سارنهن مسلح بکله هنته قبل یکی از دزدان معروف منطقه سقر باسرم کریم جهانگیر که با مامورین فرمانده لشکر هم فوق العاده مربوط و معشور است باچند نفر دیگر از آنهاش بقره با بدبلاغ ملک آقای معید خان غفاری که یکی از مالکین غده متکزار و رویم برست منطقه سقر بود رفته و وارد منزل هس مشارالیه شده و او را در جامه خواب شرب گلوله تفنگ و طباچه از پای در میارند و اسباب و اقامتیه منزل و چه واس اسب و مادهای آن مرحوم را بشارت برده اند با وجود اینکه قائلین معلوم هستند هنوز مامورین شربک دزد و رلهق غافلند برای دستگیری آنها و استرداد اموال بازماندهگان آن مرحوم اقدامی نکرده اند - اینها چنه نمونه از سرامیستترین کارهایی است که در اثر بی تدبیری و نالایق و غرور سری - فرمانده لشکر در گردستان بوقوع میروند و ؛ هه اینها دولت و ستاد ارتش این شخص را بر جایت و مال و ناموس در دست هزار نفر سکنه این مناطق حاکم و فرمانفرمای مطلق ساخته و گوششان هم بفریاد ها و استغاثه های این مردم بدبخت و بلا تکلیف پدماست .

در ایفاء این هس خردسرو نادان پان سن مهم و در اثر تنائی مامورین ایشان باراهزنان نظیر اینگونه هلیات و فجاایات هر روز بیفتد شده و ادای خواهد یافت بدینجهت دوست هراو طر سکنه پریشان این مناطق منتظر اقدامات سریع دولت و ستاد ارتش هستند که باعزل و معاذیکه این فرمانده خود مختار برجان آنها منت گذاشته و از هر این عنصر مودی و مامورینش آنها را آسوده خاطر سازد .



### قدردانی از بایندر

تلگراف از ستیز ۲۴/۱/۳۹

دو درس ساد ارتش و کپی ریاست معظم ستاد ارتش کپی مدیر روزنامه کوهستان با نهایت احترام معروض بر اثر شکایت می مورد حقوقی اسمعی که در دوره اقرار از طرف محمد رشید عراقی و تیس اوزف ساز بود، جناب سرهنگ بایندر، سروان خاگسار، سروان نادری افشار بلاطه دوستی با مدعی نامبرده بر خلاف مقررات لغوی را در تیب سفینه از باجست و آزار بگردستانم اعزام شد از باججوی چون بیگناه بودم حسب الامر فرماندهی لشکر آزاد خسارت زیاد مادی و معنوی دیده وارد لذا طبق ماده ۱۹۳ قانون مجازات عمومی استعفاهای تطایب بانی و مرتکب خسارت وارده ننمایم.

محمد امیر اسعدی مقدم مالک کس لزان  
این تلگراف صحت اظهارات امضاء کننده گان تلگراف گروس را تایید میکند.

### افتتاح فرآینگاه در سندج

از تاریخ اول اردیبهشت ۱۳۲۳ کتابخانه و قرائت خانه حرب عدالت در خیابان شاهپور سندج دایر و برای استفاده عموم معارف پروان و کسانی که بطبوعات علاقمند میباشد افتتاح یافته هر روز از ساعت ده صبح تا ظهر و از ساعت ۶ تا ۷ بعد از ظهر مردم می توانند از آن استفاده نمایند.  
ورود برای کارمندان حزب آزاد و برای اطفال دیگر بیست و نوبال و در روز ۹ و ۱۰ برداخته هر ماه بیست و نوبال بعنوان ماهیانه اجاری است بدیهی است اشخاصی که از اثرات آنجا بخواهند استفاده نمایند باید مقررات رسمی و اکاملا مراعات کنند.

### باز هم کوسه و ریش بیهن

تلگراف مورخ ۱۲ فروردین با شماره ۶۵ فرمیکوبد کلای و خابانی سندج میلی خوب توزیع میشود و امضا کننده گان رضایت دارند.  
تلگراف مورخ ۱۴ فروردین با شماره ۱۰ فرمیکوبد کلای و خابانی بین بستگان بیست مدیره تقسیم میشود و در راه معاش امضا کنندگان مسدود شده است.

### آگهی ضروریات

بتاریخ ۱۳۲۴/۱/۲۲ آقای سید عباس روحانی سر اجمعه و کانت از طرف آقای سید محمد علی بن میرزا قاسم باستاندیک بیک کوهی نامه و رونوشت شناسنامه دادخواست شماره ۱۳۲۴/۱/۲۲ داده بانگه مرحوم بانو خدیجه دارنده شناسنامه شماره ۳۷۳۲۸ در تاریخ ۱۳۱۶/۱/۲۲ در تهران جایگاه هیجکی شود و غایت یافته و آقایان سید محمد العبدین حیاطشاهی شناسنامه شماره ۳۷۳۲۹ و عباس حیاطشاهی شناسنامه شماره ۲۰۲ و حسن حیاطشاهی شناسنامه شماره ۳۷۳۲۳ پسران و بانوان شکوه السادات حیاطشاهی شناسنامه شماره ۲۰۳ و افشار السادات حیاطشاهی شناسنامه شماره ۳۷۳۳۳ و نصر السادات حیاطشاهی شناسنامه شماره ۳۷۳۳۳ و بدر السادات حیاطشاهی به شناسنامه شماره ۳۷۳۳۱ و حسن السادات حیاطشاهی شناسنامه شماره ۳۷۳۳۰ دختران متوالی و در صورت منصرف میباشند پس از هفتین توالی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور هفتاد و دو روزنامه آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ اشراف این آگهی و بودن مترش بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیتنامه از متوالی دارد در ظرف مدت مزبور ابراز و الا هر وصیتنامه غیر از رسمی و سری ابراز خود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.  
۳-۱  
ولیس کل دادگاههای بخش تهران امامی اهری

### آگهی ضروریات

بتاریخ ۱۳۲۴/۱/۲۱ آقای عبدالعزیز اردلان بوزکات توکیان از طرف با و گهری گیابور باستاندیک بیک کوهی نامه و رونوشت شناسنامه دادخواست شماره ۱۳۲۴/۱/۲۲ داده بانگه مرحوم میرزا محمد (گیابور) در تاریخ ۱۳۲۴/۱/۲۲ در تهران جایگاه هیجکی شود و غایت یافته و بانوان گبری و ربابه و بتول (گیابور) دختران و آقایان محمد رضا و بهاد و جعفر (گیابور) پسران متوالی (گیابور) (۳۰) دانی متوالی و اورت منصرف میباشند پس از هفتین توالی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور هفتاد و دو روزنامه آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ اشراف این آگهی و بودن مترش بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیتنامه از متوالی دارد در ظرف مدت مزبور ابراز و الا هر وصیتنامه غیر از رسمی و سری ابراز خود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.  
۳-۱  
ولیس کل دادگاههای بخش تهران امامی اهری

### آگهی ضروریات

بتاریخ ۱۳۲۴/۱/۲۲ آقای سید عباس روحانی سر اجمعه و کانت از طرف آقای سید محمد علی بن میرزا قاسم باستاندیک بیک کوهی نامه و رونوشت شناسنامه دادخواست شماره ۱۳۲۴/۱/۲۲ داده بانگه مرحوم بانو خدیجه دارنده شناسنامه شماره ۳۷۳۲۸ در تاریخ ۱۳۱۶/۱/۲۲ در تهران جایگاه هیجکی شود و غایت یافته و آقایان سید محمد العبدین حیاطشاهی شناسنامه شماره ۳۷۳۲۹ و عباس حیاطشاهی شناسنامه شماره ۲۰۲ و حسن حیاطشاهی شناسنامه شماره ۳۷۳۲۳ پسران و بانوان شکوه السادات حیاطشاهی شناسنامه شماره ۲۰۳ و افشار السادات حیاطشاهی شناسنامه شماره ۳۷۳۳۳ و نصر السادات حیاطشاهی به شناسنامه شماره ۳۷۳۳۱ و حسن السادات حیاطشاهی شناسنامه شماره ۳۷۳۳۰ دختران متوالی و در صورت منصرف میباشند پس از هفتین توالی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور هفتاد و دو روزنامه آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ اشراف این آگهی و بودن مترش بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیتنامه از متوالی دارد در ظرف مدت مزبور ابراز و الا هر وصیتنامه غیر از رسمی و سری ابراز خود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.  
۳-۲  
ولیس کل دادگاههای بخش تهران امامی اهری

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

دکتر اسمعیل اردلان

بهای اشتراك سالیانه ۴۰۰ ریال  
تک شماره ۴ ریال

مقالات وارده مسترد نشود و اداره روزانه در هر

با حکم و اصلاح آنها آزاد است

محل اداره، خیابان پهلوی کاشی شماره ۱۵۲۴

لندن شماره ۸۵۳۹

ساعات مراجعه هر روز صبح باستانی امام تعطیل

از ساعت ۹ تا ۱۲ بپایه

نامه ها و تلگرافات وارده

از همدان

آقای امیر حسین اردلان اظهار حسرت از انتشار نامه کوهستان نموده اند.

از کرمانشاه

آقای صدیق جواهری ضمن نامه مفصلی مینویسد: از تاسیس وطبع ونشر نامه کوهستان پندگیا مشرف و خورسنته و سیاسگدارم و امهدوار ، و تبریکات صمیمانه را تقدیم میدارد چه مدیر آن یک فکر کرده و پوزنه از افراد پاک اردلان است که بشهادت تاریخ از هشتصد سال پیش پدر بر پدر نام داد و فرما فرما و حکم دان و والی و نواح منظره کردستان بوده اند و جمله هم آثار شاه بجای خود باقی است بدین واسطه مسلم و حتم میدانم که این نامه خالی از حقیقت نبوده و هماغه اسم و حرف نیست.

و در ضمن از مقاله آقای هوشنگ مهرای اظهار شوخوتنی و متنان نموده اند در خانه شرحی از حلیات ظالمات عمده ای از آذربایجان دولت نگاهت اند که پرورد مورد دقت و تقییب قرار خواهیم داد.

از کرمانشاه

آقای طبیب افضای از انتشار نامه کوهستان اظهار مسرت نموده اند.

از کرمانشاه

آقای وسدباغ صاحب چینی چه بوسیله تلگراف و چه بوسیله نامه جدا گانه از انتشار نامه کوهستان اظهار شوخوتنی نموده اند.

از سلفج

آقای عبدالعبد مجد سجادی ضمن مراجعه که ساگی از احساسات اطلاع است از انتشار نامه کوهستان اظهار مسرت نموده اند.

ز سقز

آقای علی اکبر قبادی از انتشار نامه کوهستان اظهار مسرت نموده اند.

از دیواندره

آقای محمد صالح مشیری از انتشار نامه کوهستان اظهار شوخوتنی نموده اند.

از قروه

آقای حشمتی ضمن تلگرافی از انتشار نامه کوهستان اظهار شادمانی نموده اند.

از تبریز

تلگرافی از آقای مکرری واصل شده و واقعه عقیده بهاد و نتیجه سلیمان حسین فردروزی خان نه است و اظهار داشته است این دو نفر بی تعبیرند.

بدیهی است در هر موضوع که پیش می آید عقاید و نظریات اشخاص مختلف است ، از لحاظ نامه نگاری خود را موظف می دانم با اظهارات مردم تریب از محکم هر شکایتی که میرسد حیناً و با بطور خلاصه جواب بکنیم اما وظیفه اولیای امور و مسئولین است هاست که رسیدگی کند و حقایق را روشن نمایند و اگر شکایت و اظهارات اشخاص بیجا است رفع اشکال بکنند.

از بیجار

آقای امیر اخیارالدین تلگرافاً اطلاع میدهند

دلایل بیستم فروردین گریه جهانگیری که سابقه حرارت مسند دارد به سبب هشتم فرساح در قریه باش- بلاغ بمنزل آقای مجید غلاری هجوم آورده بشرب گلوله مبارزه را مقول رهبد نام گماشته وی نیز بهشتی مجروح میگردد .

فلا بیست نفر هائله

بیچاره که اغلب اطفال خرد سال هستند چشم امیدشان به اقدامات مجیدانه اولی الامرور

میباشد .

آیا غوغای این یگانه هم پایمال خواهد شد ؟

آیا روزی خواهد پرسید

مسئول این وقایع کیست ؟

از کرمانشاه

آقای هاشم سدودی شرحی نوشته و حکایت می نمایند که در چه ماه قبل که دستبرد هائی در کرمانشاه اتفاق افتاد و منجر به توفیق اکبراله پارغانی گردید با وجود اینکه مسلم شد که خود او در این کارها دست داشته بعنوان این صحنه بچه سارلین را دستگیر کند از زندان خلاص شد و اکنون بدون اینکه کوچکترین تأثیری حاصل شده باشد مقارناً به دو خیابان های شهر میگردد در خانه نامه خود تاختا نموده اند که تپ و شهر بانی و داده گسری کرمانشاه برض حال هائی که ایشان سا بحال داده اند تریب اثر دهته .

از مهاباد

آقای علی خزیزی از انتشار نامه کوهستان اظهار مسرت نموده اند.

از سلفدوز

آقای مجید خسروی از انتشار نامه کوهستان اظهار شوخوتنی نموده اند.

از سقز

آقای ذبیح اله دهشور وکیل دادگستری مینویسد: طلوع کوکب دوی نامه شرا و نیز کوهستان موجب بسی مسر و مباهات ما کرد زبانهای ایرانی از اه است و با آغوش باز چون جان شیرین و مشتوقه نسکین روی قلب بر از آلام و اذمقام خود پایش داده و تأییدات آسانی را برای مدیر محترم آن نامه ملی در انجام این خدمت گرانجا ، بکه پلست و میهن شروع نموده اند خواهستاریم .

از سقز

آقای فرقی از انتشار نامه کوهستان اظهار شوخوتنی نموده اند .

لید کردن بندش را چرخ داده و هاله ها را بالا انداخته بدون اینکه جوانی بدعهد اطاق خارج شد .  
مادام کلولانه که تا آن وقت ساکت بود با سخن در آمده گفت : هراس عزیزم این حرف ها تپ مزای لرزانه را منظره میسازد . هراس بیسی کرده گفت مادر جوان کلا بر جایگه جواد است در حالیکه بشقابش را از ماکارونی بر میگرد گت سر باران هم چیز در نظر دارند بیچ وجه جای فکرای بر او ما باقی نیست .  
مادام کلولانه گفت اما این دختر از اشیائی که در دیده دیده و دشمنی که در اینجا کشته شده اند صحبت میکند .  
در این لحظه لید با ظرفی از است وارد اطاق شد .  
حانم کلولانه از او پرسید امروز ضرر سر باران کجا خواهد بود ؟  
- خام آنها جواب ستایشی حرکت کردند .  
هراس رو به مادرش کرده گفت : ما هم امروز ضرر به ستایشی خواهیم رسید ، دیگر جای نگرانی نیست لید با صدای بلندی که حاکی از توجس بود گفت امروز ضرر به ستایشی ، غررها هرگز نخواهد توانست به نواح آجا برسند مگر آنکه نصف به ستایشی وارد شویم ، بهترین است که امشب راهییم یا بسریه .  
هراس بای اعتنائی گفتم خبر من هرگز اینجا خواهیم خوابید .  
حانم کلولانه دوبه پیشش کرده بر بان اسکلیسی گفت فرزند عزیز من باورده این برای اطمینان خاطر باید فکرا کی فکرا کرد .  
- برعکس ما اینجا در اینست بستم . نیتانم بصورت صاحب مهمانخانه خوب نگاه کرده اند اودوست منزل راهزنان است . همین الان بازان اول ، این جانی که تازه از زندان خارج شده با کمال دوستی و پیکانگی

صحبت میسر در طرفی هم او با ما اثر روا یعنی دارد .  
مادام کلولانه بیچاره آهی از سینه در دندک بیرون کشیده بشقاب ماکارونی را که هنوز دست نر زده بود از جلوی خود دور کرد . در این وقت لید که او چکرتین حرکات مسافری را از نظر دور انداخته به دو بهار متانسف بود که مذاکرات آنها را نظرسیده به سخن در آمده گفت : ما هم شما مریض هستیم . ایشان هرگز نخواهند توانست بیسافرت ادامه دهند .  
هراس نگاهی بسادوش نموده دید تنها نسالت او همان اضطراب دوری است بیس لید را از اطاق مریض کرد در از از نگاههای کنجگاران او به ننگ آمده دیگر تباب مقاربت نداشت . بیسی دوبه مادرش کرده گفت : مادر جان شما باید قدری غذا بخورید والا امروز عصر دیگر مدت مسافرت نخواهید داشت .  
حانم کلولانه اصلا برای غذا خوردن اشتیاقی نداشت . و از اینکه خود و لرزشش را در موقعیت خطرناکی می دید کل آزرده خاطر شده بود و گفت به چه وجه میل ندارم شب مسافرت کنم ، نیتو امم با دست خود خود را گرفتار راهزنان بنمایم .  
هراس در حالیکه دستها را در بالضب روی میز میگردید با صدای شکایت آمیزی گفت : آبا آنکه آبکبید که مادر اینجا بیش زمین راه دور نظر هستیم ؟ آجا همواره قوی درانی در ذات آمده است و ما می توانیم در حمایت سر باران بدون تشوش خاطر به ستایش برسیم . آبا شما حکایات میخانه های کوچک و خرابی که در نقاط دور افتاده واقع شده اند شنیده اید ؟ آبا بنده اید که اغلب همین نقاط هستند که دامهای خطرناکی برای انسان میباشند ؟ بدو هک صاحب این میخانه هفتس دیگری جز بک راهزن که به لباس میل در آمده است . من بیضا اطمینان میدهم که این خانه از هر مکانی که فکر کنید مشکوک تر و خطرناک تر است .

# کوهستان

## در نقیب تلگراف هفته قبل

از سقز

مجلس شورای ولایت و وزارت جنگ و وزارت معادن اردش روز هفت روزنامه کوهستان معرنا گویا چند روز قبل تلگرافی باسم اهالی سقز مبنی بر خابت از سرهنگ بایندر و سروان خاکسار مهابره گرفته با اینکه ما ملت ستمیده قطع این چند روزه که فرمانده معترم تب چیده وارد شده به آب راحت او آنگلوهان با آنچه رفته بدیهی است این عمل برخلاف حقیقت بوسه دو سه نفر هوجمی که اداره هیرانی میتواند بخوبی آنها را شناخته و معرفی نماید علی شده . مسته می است اینگونه اظهار، برخلاف حقیقت ، باعث باهال کردن حقوق مظلومانه لغوه . شکایت که بعد از حزل این دو امر میرسد صحت گزارش را ثابت نماید .

قاضی . شیخ الاسلامی . اسدالله عالی . علیرضا اردلان . رهبر دیوان . نجم الدین شیخ الاسلامی . امجد . قی شریفی . دائمی . محمد اینه امامزاده . موسی . فیم . درویش عید . شیرازی . حاجی حکیم یار نری حاجی حبیب عظیمی . هدایت حکیمی . مغوری . میراجی . پاکزاد . محمد امین طباطبائی . محمد امین درشتی . ناجوینی . محمد قربانی . پاشا اردلان . سید احمد رحیم . کریمیان . محمد صالح فیضی . غایب قادری . هدایت . محمودی . محمد کلانتر

## بدقت بخوانید

### یک تلگراف هم از گروس

هفته گذشته در موقیقه صفحات نامه کوهستان بسته شده بود تلگرافی از گروس رسیده اگرچه اولین دفعه است که نام اهالی کشتهگان آنرا سینه ایمن ولی چون ادعا کرده اند افراد حق شناسی این تلگراف را مهابره نوده اند بیاس حق شناسی آنان همین تلگراف ذیلا درج و پاسخ آنرا بخوانند گان واگذار می یابیم :

#### تلگراف از گروس

وزارت جنگ و ولایت سقز و ولایت کرمان کوشش روزنامه کوهستان - تیره از بخش ولایت سقز - سررب هوشمند افشار . اوران ناسه کوهستان که یکی بعد از دیگری میرسد یک نشان غریبی دو افراد حقوق گروس داده آنان که در وقایع هیرور خود ناظر قضایا بوده اند هیچ نمیتواند این شکایات و غرض روزیها را تحمل کند . آدمی این تلگراف را عده ای از سقز قاصد و قاصد کوه که نه بزور زبان و نه بدرامش و کسای اشخاص مهابره و جدا بیاره سرایها و اشخاصی نامه کوهستان اعتراض داریم ملت سقز شناس و حکوم ایران فراموش نمیکند که تیسار سر لشکر امین در کوه های سقز بدست محمد و هدید خان شارتگر مسلح جان سپرد و باز ما داریم سرهنگ بایندر در وقایع هیرور نه فقط وظایف سر بازی را با بهترین وجهی انجام داد که از طرف نیروی سرخ حلیات آن السرباک موده تمیبه واقع گردید . جان یازدهای سررب هوشمند افشار و بایندر بود که محمد و هدید شارتگر خونخوار و قاتل بهترین جان یازدهای شهیدای ایران و صدعا سر باز ایرانی را از مرز ایران راند و دست جنایتکاران را از ایران قطع کرد . نهادیم کدام ایرانی و کدام خان حق شناسی است که این دو نفر السرباک را گناهکار میدانند کدام زبان و کوهستان بود که غیر از هفتاد هزار نفوس گروس که هفت ماه از ترس معده رقیب خواب راحت بر چشاندن حرام بود و نتیجه جان یازدهای تیسار نقد سر لشکر امین و سر تربیع اولی و نه اکثری های هوشمند افشار و سرهنگ بایندر بود که بعد از مدتها راحت خوابیده و بنامین

وزارت جنگ و ولایت سقز و ولایت کرمان کوشش روزنامه کوهستان - تیره از بخش ولایت سقز - سررب هوشمند افشار . اوران ناسه کوهستان که یکی بعد از دیگری میرسد یک نشان غریبی دو افراد حقوق گروس داده آنان که در وقایع هیرور خود ناظر قضایا بوده اند هیچ نمیتواند این شکایات و غرض روزیها را تحمل کند . آدمی این تلگراف را عده ای از سقز قاصد و قاصد کوه که نه بزور زبان و نه بدرامش و کسای اشخاص مهابره و جدا بیاره سرایها و اشخاصی نامه کوهستان اعتراض داریم ملت سقز شناس و حکوم ایران فراموش نمیکند که تیسار سر لشکر امین در کوه های سقز بدست محمد و هدید خان شارتگر مسلح جان سپرد و باز ما داریم سرهنگ بایندر در وقایع هیرور نه فقط وظایف سر بازی را با بهترین وجهی انجام داد که از طرف نیروی سرخ حلیات آن السرباک موده تمیبه واقع گردید . جان یازدهای سررب هوشمند افشار و بایندر بود که محمد و هدید شارتگر خونخوار و قاتل بهترین جان یازدهای شهیدای ایران و صدعا سر باز ایرانی را از مرز ایران راند و دست جنایتکاران را از ایران قطع کرد . نهادیم کدام ایرانی و کدام خان حق شناسی است که این دو نفر السرباک را گناهکار میدانند کدام زبان و کوهستان بود که غیر از هفتاد هزار نفوس گروس که هفت ماه از ترس معده رقیب خواب راحت بر چشاندن حرام بود و نتیجه جان یازدهای تیسار نقد سر لشکر امین و سر تربیع اولی و نه اکثری های هوشمند افشار و سرهنگ بایندر بود که بعد از مدتها راحت خوابیده و بنامین

## آگهی

پدینو پناه بکاه اشخاص و ینگاهها و ادارات دولتی که در سال های قبل از ۱۳۱۳ زکامه سیاه سیاه خریداری نموده و هنوز نام باقصدی از سیاه خریداری خود را تحویل نگرفته اند اخطار میشود چنانکه از تاریخ نشر این آگهی منتهای ۱۵ خرداد ۱۳۲۴ باپرداخت تفاوت بهاء زنده و تاریخ روز خرید و تاریخ تحویل برای حل سیاه خود مراجعه نمایند سیاه آنها تاریخ کارخانه ضبط و بر اساس انقضای مودت مزبور این اداره از قبول هر گونه تقاضایی که برسد منذور خواهد بود .

رئیس اداره حسابداری کارخانه سیاه - علی لسانی

(ک.ک.ک)

لازم است این مطلب را هم اضافه کنیم : اگر از شما خواننده گان محترم نظریاتتان را راجع بنامه کوهستان میخواهیم نه برای اعتراض باین تلگراف کوچک و بی اثر گروس است بلکه شنیده ایم شخصی که معاش منازار است و اوشته های نامه کوهستان او را منازار اول تر ندیده بدست و با افتاده هر چای تشنه میکند نامه کوهستان دو میان اگراد خواننده ندارد و مردم از آن معترفند و گمان میکند با این لقب خواهد توانست این حربه قاطع را از کار ببرد .

حال برای اینکه این اشخاص مفید جو وضع باز معقتان بهتر باشد و لازم است خواننده گان ما انکار خود را در روزنامه منسک کرده باین قبیل اشخاص که جز غیبت بلکه و منسک و جز غراب کردن کرده و کرده است نظری ندانند ثابت شود آنها کوچکتر از این هستند که بتوانند جلوسل افکار اصلاح طلبانه عمومی و با بگیرند .

ایشان که بخاطر سازی ، دروغ و حقه پاری عادت کرده اند بهترین است درین تلگرافهای سقز - سقز یافته شاه در فرمانروایان چندی صاحبی دیگری دوام بیاید

آنکسی که میخواهد نامه کوهستان در میان اگراد از لایه بدارد میخواهد در سایه این دروغ بازشمارا به اسارت و بندگی خویش در آورده . او باطل سبک خود میخواهد منظر نوی هارا با مال کند ولی خائل است که این تلاش او بجایی نخواهد رسید .

حال ای خواننده گان نامه کوهستان صفحات این روزنامه برای شما بلااست هر چه را در این موده نظارت میکند در آن منسک کند ولی معروض بانکه حتی المهور باختمار پردازد زیرا صفحات نامه کوهستان کوچک است و مطالب توهنتی بسیار

این بود تلگراف حق شناسی عده ای از بیچاره و این است صفحات نامه کوهستان و مندرجات آن حال این روزنامه زبان کرد عادت یانه ، قاطعی در آن چاپ میشود پناه ، این را خواننده گان بهتر تفاوت میکنند .

مادر این باب پاسخی با ما میکنند گان بیدهم اظهارات تلگراف افوق را عیناً در پیشگاه تفاوت عمومی قرار میدهم و اطمینان میدهم که جوابهای موافق و مخالفت را درج کنیم مشروط بانکه مفصل باشد و از بیستون کوچک روزنامه تجاوز نکند .

حال خواننده گان محترم این تلگراف و دوست بفرمایید ، مندرجه نامه کوهستان را هم از نظر بگذرانید ، تفاوت کنید و نظریات خود را با بنویسید تا مردم و اولیای امور بدانند نامه کوهستان در میان اگراد چگونه تلقی میشود .

آقای رحمت الله فریدی در چهارم شهریور سیاه نامه کوهستان میباید .